



گزارش سفارت کابل

سفرنامه سید ابوالحسن قندهاری

در ۱۲۸۶ و اسناد مربوط به آن

به کوشش
محمد آصف فکرت هروی





- سرشناسه
عنوان و نام پدیدآور
عنوان دیگر
مشخصات نشر
مشخصات ظاهری
فروست
شابک
وضعیت فهرست‌نویسی
یادداشت
یادداشت
موضوع
موضوع
موضوع
موضوع
شناسه افزوده
شناسه افزوده
رده‌بندی کنگره
رده‌بندی دیویی
شماره کتابشناسی ملی
- قندهاری، ابوالحسن.
گزارش سفارت کابل: سفرنامه سید ابوالحسن قندهاری در ۱۲۸۶ و اسناد مربوط به آن / به کوشش محمدآصف فکرت.
سفرنامه سید ابوالحسن قندهاری در ۱۲۸۶ و اسناد مربوط به آن.
تهران: انتشارات دکتر محمود افشار یا همکاری سخن، ۱۴۰۰.
۱۵۱ص.
مجموعه انتشارات تاریخی و ادبی موقوفات دکتر محمود افشار یزدی؛ ۲۷. گنجینه اسناد و تاریخ ایران.
۹۷۸-۶۲۲-۷۷۰۶-۰۹-۳
فیبا
چاپ قبلی: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار، ۱۳۶۸.
نمایه.
سفرنامه‌های ایرانی -- قرن ۱۳ق.
Iranian Travelogues -- 19th Century.
کابل (افغانستان) -- سیرو سیاحت.
Kabul (Afghanistan) -- Description and Travel.
فکرت، محمدآصف، ۱۳۲۵-، گردآورنده.
بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار
DS۳۵۲
۹۵۸/۱۰۴۵
۸۴۱۱۷۱۹

گزارش سفارت کابل

سفرنامه سید ابوالحسن قندهاری در ۱۲۸۶ و اسناد مربوط به آن



به کوشش



محمد آصف فکرت هروی



مجموعه انتشارات
ادبی و تاریخی
موقوفات دکتر محمود افشار

[۱۰]

گنجینه اسناد و تاریخ ایران



هیئت گزینش کتاب و جایزه

دکتر سید مصطفی محقق داماد - دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی - دکتر ژاله آموزگار - دکتر جلال خالقی مطلق
دکتر حسن انوری - دکتر فتح الله مجتبیایی - دکتر محمود امیدسالار - کاوه بیات
دکتر محمد افشین وفاایی (مدیر انتشارات)

درگذشتگان

ایرج افشار - دکتر سید جعفر شهیدی - دکتر جواد شیخ الاسلامی - دکتر اصغر مهدوی - دکتر یحیی مهدوی



گزارش سفارت کابل

سفرنامه سید ابوالحسن قندهاری در ۱۲۸۶ و اسناد مربوط به آن



به کوشش
نمونه خوان و ویراستار فنی
محمداصف فکرت هروی
پژمان واسعی
گرافیسیت، طراح و مجری جلد
کاوه حسن بیگلر
لینوگرافی
چاپ متن
آزاده
صحافی
حقیقت
تیراژ
۲۲۰۰ نسخه
چاپ دوم
۱۴۰۰

ناشر انتشارات دکتر محمود افشار

خیابان ولی عصر، بالاتر از چهارراه پارک‌وی، خیابان عارف‌نسب، کوی لادن، شماره ۶
تلفن: ۲۲۷۱۷۱۱۴ دوزنما: ۲۲۷۱۷۱۱۵
با همکاری انتشارات سخن
خیابان انقلاب، خیابان دانشگاه، خیابان وحید نظری، پلاک ۴۸
تلفن: ۵-۶۶۹۵۳۸۰۴ دوزنما: ۶۶۴۰۵۰۶۲
تلفن تماس برای تحویل کتاب در تهران و شهرستان‌ها
۵-۶۶۹۵۳۸۰۴



شورای تولیت



متولیان مقامی

رئیس مجلس - رئیس دیوان عالی کشور - وزیر فرهنگ (وزیر آموزش و پرورش)

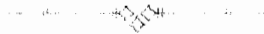
وزیر بهداشت و درمان و آموزش پزشکی - رئیس دانشگاه تهران (با معاونان اول هر یک از این پنج مقام) (طبق ماده ۲ و قننامه)

متولیان منصوص و منسوب

دکتر سید مصطفی محقق داماد (رئیس شورا) - دکتر محمد رضا شفیعی کدکنی (جانشین: دکتر محمد اسلامی - دبیر)

سید محمود دعایی (نایب رئیس شورا) - دکتر احمد میر (بازرس) - ساسان دکتر افشار - آرش افشار (بازرس)

هیئت مدیره (منتخب شورای تولیت)



دکتر سید مصطفی محقق داماد (رئیس هیئت مدیره) - دکتر محمد اسلامی (نایب رئیس هیئت مدیره)

دکتر محمد افشین وفایی (مدیر عامل) - محمد رضا رضایزدی (خزانه دار)



درگذشتگان

دکتر مهدی آذر - حبیب الله آموزگار - دکتر جمشید آموزگار

ایرج افشار، سرپرست عالی و بازرس (منصوب واقف، از ۱۳۶۳-۱۳۸۹) - مهر بانو دکتر افشار - مهندس نادر افشار
بهروز افشار یزدی - دکتر سید جعفر شهیدی، رئیس هیئت مدیره (از ۱۳۶۳ تا ۱۳۸۳) - دکتر جواد شیخ الاسلامی - اللهیار صالح
دکتر منوچهر مرتضوی - دکتر اصغر مهدوی - دکتر یحیی مهدوی - دکتر علی محمد میر - دکتر محمد علی هدایتی

یادداشت واقف

اول

طبق ماده ۲۳ وقفنامه اول مورخ یازدهم دی ماه ۱۳۳۷ ه. ش. درآمد باید صرف ترجمه و تألیف و چاپ کتب و رسالات که با هدف این موقوفات موافق باشد و همچنین کمک به مجله آینده در صورت احتیاج و احتمالاً دادن جوایز به نویسندگان به شرح دستور این وقفنامه گردد.

دوم

هدف اساسی این بنیاد ملی طبق ماده ۲۵ وقفنامه تعمیم زبان فارسی و تحکیم وحدت ملی در ایران می باشد. بنابر این کتبی که با بودجه این موقوفات منتشر می شود باید مربوط به لغت و دستور و ادبیات فارسی و جغرافیای تاریخی و تاریخ ایران باشد. کتب کلاسیکی مدارس عمومی نباید با درآمد این موقوفات چاپ شود.

سوم

طبق ماده ۲۶ مقداری از کتب و رسالات چاپ شده با بودجه این موقوفات باید به طور هدیه و به نام این موقوفات به مؤسسات فرهنگی، کتابخانه ها و قرائتخانه های عمومی ایران و خارج و بعضی از دانشمندان ایران و مستشرقین خارجی فرستاده شود.

چهارم

چون نظر بازرگانی در انتشارات این موقوفات نیست و تا حدی تحمل زیان هم جایز است طبق ماده ۲۷ وقفنامه هیچ کتاب و رساله نباید کمتر از قیمت تمام شده و همچنین مبلغی زائد از بهای تمام شده با افزایش صدی ده تا بیست و پنج قیمت گذاری شود... این افزایش ۲۵ درصد به واسطه حداقل حق الزحمه فروشندگان و هزینه ای است که برای پست و غیره تحمیل می شود. از کتابفروشان تقاضا داریم که در این امر خیر ملی که ابداً جنبه تجارتي ندارد با ما یاری و تشریک مساعی بنمایند.

پنجم

بر اساس موافقت نامه دوم (مورخ ۱۳۵۲/۴/۱۲) که میان واقف و دانشگاه طهران به امضاء رسیده، قسمت‌های مهمی از رقبات، مانند جایگاه سازمان لغت نامه دهخدا و محل مؤسسه باستان‌شناسی به طور رایگان به دانشگاه طهران واگذار شده و رقبات دیگری هم با درآمد آنها طبق ماده دوم برای اجرای مفاد وقفنامه که از جمله عیارت از دادن جوایز ادبی و نشر کتب تاریخی و لغوی راجع به ایران (به استثنای کتب درسی) می‌باشد در اختیار دانشگاه طهران قرار می‌گیرد که وصول نموده و به نام این موقوفات اعطا و نشر گردد.

ششم

چون طبق ماده ۳ موافقت نامه نامبرده مقرر شده است که از طرف ریاست دانشگاه یک نفر از متولیان این موقوفات که از طرف واقف به عضویت کمیته انتشارات بنیاد معین شده باشد برای سرپرستی اداره امور جوایز و نشر کتاب انتخاب شود ریاست دانشگاه آقای ایرج افشار را که از متولیان شورای تولید است و از طرف واقف نیز به عضویت کمیته نامبرده معین شده به سمت سرپرست انتخاب و برقرار نمودند.

هفتم

چون نگارنده این سطور به واسطه کبر سن (۸۶ سال شمسی) از این پس نخواهم توانست به سرپرستی این کارها بپردازم، از این پس تمام اختیارات خود را در انتخاب تألیف و ترجمه و خرید کتب و غیره به فرزند ارشد خود ایرج افشار واگذار کردم. در این چند سال اخیر هم که ده جلد از تألیفات خودم از طرف موقوفات به طبع رسیده با کوشش و سرپرستی وی بوده است. کسانی که مایل به همکاری در تألیف یا ترجمه و نشر کتاب هستند می‌توانند به او مراجعه کنند. تنها شرط کار موافق بودن تألیف و ترجمه با هدف‌های این بنیاد، یعنی ترقی ملت و کشور و تعمیم زبان فارسی و تکمیل وحدت ملی در ایران که وطن مشترک و زبان رسمی و ملی همه ایرانیان است می‌باشد.

هشتم

این یادداشت کلی برای چاپ در آغاز هر یک از نشریات این بنیاد نوشته شده است.

دکتر محمود افشاریزدی

آذر ماه ۱۳۵۸ شمسی

مستطیر

تکمله سوم



کتبی که با بودجهٔ این موقوفات طبع و توزیع می‌شود باید کاملاً منطبق با نیت واقف و هدف وقفنامه باشد. اگر همهٔ تألیفات و مجموعه‌هایی که به قلم واقف منتشر شده و یا می‌شود صددرصد این مطابقت را ندارد به سبب این است که واقف قصد چاپ آنها را با مال خود داشت، ولی زمانی که دارایی خود را وقف عام مخصوصاً برای انتشارات کتب تاریخی و ادبی نمود چاپ کتب خود را هم که دارای همین جنبه‌هاست به عهدهٔ بنیاد واگذار کرد.

اما این مجوز آن نیست که تألیفات دیگر را هم از هر نوع که باشد و برسد چاپ نماید. کتب نظم و نثری از گذشتگان یا آیندگان با بودجهٔ آن چاپ خواهد شد که هدف غایی واقف را که ترویج زبان دری و تحکیم وحدت ملی ایران است دربرداشته، کتبی که بوسیلهٔ از ناحیه‌گرایی و جدایی‌طلبی و حکایت از رواج زبان‌های خارجی به قصد تضعیف زبان دری و دیگر چیزهای تفرقه‌آمیز و روش‌ها و سیاست‌های فتنه‌انگیز داشته باشد نباید با بودجهٔ این موقوفات طبع و توزیع شود.

نکتهٔ دیگر آنکه چون شاید برای چاپ کتب و فرهنگ‌نامهٔ فارسی که دایره‌مانند یعنی انسیکلوپدی باشد و تاریخ کامل ایران که اوراق زیاد و هزینهٔ بیشتر دارد، درآمد ماهیانهٔ بنیاد کفاف خرج آنها را ندهد می‌توان با اندوختهٔ بانکی این موقوفات چاپ نمود، به شرط آن‌که اجازهٔ واقف در زمان حیات و موافقت شورای تولیت بعد از ممات یا هرکس و دستگاهی که قانوناً قائم مقام آنهاست باشد.

در تکملهٔ دوم یادداشت واقف، منتشره در جلد سوم افغان‌نامه نگاشتم که کتب و رسالاتی که با بودجهٔ این موقوفات چاپ می‌شود باید منزّه باشد از تحریکات سیاسی، مخصوصاً آلوده نباشد به اغراض سیاسی خارجی در لافافهٔ پژوهش تاریخی و ادبی ایران‌شناسی... و در پایان آن تکمله افزودم بیم داشتم که مبدا چنین رسالاتی سال‌ها بعد از ما نخواسته و ندانسته، به وسیلهٔ این بنیاد چاپ شود. پس لازم بود که در این یادداشت تذکری داده شود... عمدهٔ مخاطب این یادآوری‌ها بنیاد موقوفات خود ماست نه مؤسسات انتشاراتی دیگر که هریک روش خاص خود را دارد و ما دخالتی در کار آنها نداریم.

تا زمانی که نویسندهٔ این سطور متولی هستم و فرزند دانشمند من، ایرج افشار که به رموز نویسندگی کاملاً آگاه می‌باشد سرپرست انتشارات این بنیاد است، موجبی برای نگرانی نخواهد بود و بعد از ما هم امید است که این روش ادامه یابد. ان شاء الله

تکمله و تبصره

.....

یادداشت واقف چند روز پیش از درگذشت (۲۸ آذر ۱۳۶۲) برای اطلاع نویسندگان.

کتاب نظم و نثری از گذشتگان یا آیندگان که با سرمایه و درآمد این بنیاد چاپ و توزیع می‌شود باید منطبق با نیت واقف و هدف وقفنامه باشد و مروج زبان دری در قلمرو این زبان و تحکیم وحدت ملی و تمامیت کشور ایران باشد و بویی از ناحیه‌گرایی و جدایی‌طلبی ندهد، و حمایت و ترویج از لهجه‌های محلی و زبان‌های خارجی به قصد تضعیف زبان فارسی دری نکند. خلاصه آنکه این کتاب‌ها و رسالات باید منزّه باشد از روش‌های تفرقه‌آمیز و سیاست‌های فتنه‌انگیز، چه به طور مرموز و چه علنی مخصوصاً نباید آلوده باشد به اغراض سیاسی خارجی در لافافه پژوهش تاریخی، نژادی یا ادبی و فرهنگی و ایران‌شناسی.

کتاب تاریخی و ادبی عالمانه خارجی که از عربی و ترکی و روسی به فارسی ترجمه می‌شود اگر دارای هر دو جنبه از سود و زیان باشد باید قسمت سودمند آنها ترجمه شود. قسمت زیان‌بخش اگر ترجمه شود باید به قصد مبارزه و مقابله عالمانه با آن باشد نه جاهلانه، زیرا گفته منطقی ممکن است مؤثر باشد، نه شانتاژ و هوچی‌گری. این بنیاد در انتشارات خود باید در هر حال از دروغ و ناسزا پرهیز کند. به گفته نظامی گنجوی:

چون‌توان راستی را دج کردن دروغی را نباید خرج کردن

برای چاپ و انتشار کتاب و رسالات نه تنها هزینه و حق‌الزحمه نمی‌خواهیم، بلکه به سبب اهمیت فوق‌العاده سودمند بودن کتاب، جایزه نیز می‌پردازیم. این بنیاد در چاپ و انتشار کتاب‌های خود به طور مسلم ضرر مادی دارد، زیرا کمتر از ارزش تمام شدن از کاغذ و چاپ و غیره از راه فروش درآمد دارد. شاید بعضی تصور کنند که کار ما شبیه به معامله مرحوم ملانصرالدین باشد که تخم مرغ می‌خرد دانه‌ای دو شاهی، می‌پخت و رنگ می‌کرد و می‌فروخت یک شاهی! عقیده ما بر این است که اگر در این سود، ضرر مادی و مالی می‌کنیم سود معنوی که منظور ماست می‌بریم، و آن اینکه عقیده خود را که ترویج زبان دری و تحکیم وحدت ملی و تمامیت ارضی ایران است رواج می‌دهیم. این زیان را به حساب مصارف وقف در راه ایده‌آل و هدف ملی خود محسوب می‌داریم.

برای اطلاعات و توضیحات بیشتر لطفاً به تکمله منتشرشده در ابتدای کتاب‌های این بنیاد که اضافات و تفاوت‌هایی با هم دارد توجه فرمایید.



فهرست مطالب

یادداشت	۱۵
مقدمه مصحح	۱۹

بخش اول- کتابچه سفارت

مقدمه	۲۷
عهدنامه امیر دوست محمد خان با انگلیس ها	۲۹
معاهده انگلیس با امیر شیرعلی خان	۳۵
اصلاحات اداری و اجتماعی امیر شیرعلی خان	۳۹
گزارش سفارت	۴۵
فصل اول: در بیان تفصیل مجلس امیر شیرعلی خان در ملاقات اول	۵۷

بخش دوم- نامه‌ها

۱. رقم حشمةالدوله به سید ابوالحسن	۷۹
۲. رقم حشمةالدوله در جواب حکمران هرات	۸۲
۳. عریضه سید ابوالحسن خان	۸۵
۴. رقعہ سید ابوالحسن خان به میرزا غفار	۸۹
۵. رقعہ سید ابوالحسن خان به سلطان محمد خان	۹۳
۶. عریضه سید ابوالحسن خان	۹۶

۷. رقیمة حشمة الدوله	۱۰۱
۸. رقیمة حشمة الدوله به فتح محمد خان	۱۰۴
۹. رقیمة حشمة الدوله	۱۰۶
۱۰. نامه حکمران هرات به حشمة الدوله	۱۰۸
۱۱. رقیمة حشمة الدوله	۱۱۰
۱۲. رقیمة حشمة الدوله به حکمران هرات	۱۱۲
۱۳. مراسله حکمران هرات به حکیم دالمج	۱۱۴
۱۴. مراسله حکیم دالمج به حکمران هرات	۱۱۶
۱۵. مراسله حکیم دالمج به حکمران هرات	۱۱۸
۱۶. مراسله حکیم دالمج به حکمران هرات	۱۲۰
۱۷. رقیمة حکمران هرات به حکیم دالمج	۱۲۱
۱۸. مراسله امیر شیرعلی خان به حاکم هرات	۱۲۳
۱۹. مراسله جان لارنس به فوجدار خان غلزایی	۱۲۶
۲۰. مراسله مهجر هریث ادوردس	۱۲۸
نمونه چند صفحه از اصل نسخه مکتوبات	۱۳۱
فهرست نام کسان	۱۳۹
فهرست نام جای ها	۱۴۳
فهرست نام اقوام و گروه ها	۱۴۷
توضیح برخی کلمات و عبارات	۱۴۹

یادداشت

دکتر محمود افشار نسبت به تاریخ مشترک ایران و افغانستان و رویدادهایی که در جریان‌های تاریخی میان دو مملکت روی داده است علاقه‌مندی مخصوص داشت و خود از زمان پادشاهی امیر امان‌الله خان به بعد به تحقیق و تتبع در این موضوع پرداخت و حاصل مطالعات خود را در سه مجلد کتاب *افغان‌نامه* به چاپ رسانید، و هماره توصیه می‌کرد که اسناد و مدارک و آگاهی‌های تازه در این مباحث را موقوفه به چاپ برساند.



خوشبختانه آقای محمد آصف فکرت، دانشمند گرامی افغانی از اهالی هرات، که سالی چند است به ایران آمده‌اند، ضمن تجسس‌های علمی خود به مأخذی مفید مربوط به روابط ایران و افغانستان در سال‌هایی از امارت امیر شیرعلی خان (در افغانستان) دست یافته‌اند و آن را از روی نسخه خطی استنساخ و برای چاپ آماده کرده‌اند و چون هیئت بررسی

کتاب موقوفه، نشر آن را مطابق نیات واقف دانست اینک در این مجلد به دسترس دوستاران تاریخ مشترک ایران و افغانستان می‌رسد.

ایرج افشار

گزارش سفارت کابل

مقدمهٔ مصحح

اندکی پس از مرگ سردار سلطان احمد خان سرکار، حکمران هرات (۱۲۸۰هـ/۱۸۶۳-۱۸۶۴م)، و پیروزی امیر دوست محمد خان، که مرگ او را نیز در پی داشت، هرات به تصرف امیر شیرعلی خان، فرزند امیر دوست محمد خان، درآمد و او سردار محمد یعقوب خان، فرزند نوجوان خویش، را به حکومت آن شهر گماشت.

پیوندهای دُول قاجار و محمدزایی در این روزگار حسنه بوده و هیئت‌هایی بین دو کشور ایران و افغانستان رفت‌وآمد کرده‌اند که مهم‌ترین آنها آمدن سردار محمد یعقوب خان با گروهی کثیر به خراسان و دیدار او با ناصرالدین شاه در سال ۱۲۸۴هـ/۱۸۶۷-۱۸۶۸م بوده است.

ناصرالدین شاه که در آن هنگام در خراسان بود، مقدم امیرزاده را گرمی داشت. تحف و هدایایی به او و همراهانش داد و ارمغان او را پذیرفت و در پایان همان سفر در برابر توطئه‌ای که از طرف فرزند سلطان احمد خان علیه او فراهم شده بود، از سردار محمد یعقوب خان حمایت کرد و به دستور او خصم سردار را دستگیر کردند.

دو سال پس از این تاریخ، یعنی در ۱۲۸۶هـ / ۱۸۶۹-۱۸۷۰م که امیر

شیرعلی خان بر تمام افغانستان مسلط شد، دولت ایران سفیری به افغانستان فرستاد که اوراق حاضر، گزارش آن سفارت است. مأموریت این سفارت به عهده حاجی سید ابوالحسن شاه قندهاری، امین کل آستانه مقدسه رضویه، گذاشته شد. میر غلام محمد خان غبار از رسیدن سید ابوالحسن، سفیر ایران، به کابل یاد می‌کند^۱، ولی نگارنده مطالب مربوط به سید ابوالحسن شاه را منحصرأ در مجموعه اسناد مأموریت فرخ خان امین الدوله و مسوده اسنادی که نزد حقیر موجود بود، به دست آورد.

از نامه‌ای که ظاهراً میرزا آقا خان نوری، صدراعظم، به فرخ خان نوشته است برمی‌آید که سید ابوالحسن پیش از ورود به ایران، حکیم‌باشی قندهار بوده و در ضمن برای دولتمردان قاجار واقعه‌نگاری می‌کرده است و همین واقعه‌نگاری او باعث شده است که ترک دیار گوید. سید به اتفاق فرزندش سید صفی عازم ایران شد و سید صفی ظاهراً در دارالفنون مشغول تحصیل گردید.^۲ در همین نامه به نام مستعار سید ابوالحسن شاه، میرزا حسبی‌الله، اشاره شده و حالات او بعینها مثل حاجی میرزا محمود طبیب در تهران و میرزا حکیم در کاشان «صاحب اخلاق حسنه» خوانده شده و آمده است که اطلاعات غریبی از حالات افغانستان دارد.

هنگامی که قشون ایران به سرداری حسام‌السلطنه هرات را تخلیه کرد، سردار سلطان احمد خان سرکار، فرزند محمدعظیم خان و برادرزاده و داماد امیر دوست محمد خان که در آن روزها مقیم تهران بود، به حکمرانی هرات رفت و همین سید ابوالحسن به صفت وکیل دولت قاجار در هرات با سردار همراه بود. در ملاقاتی که سلطان احمد خان با تیلر،

۱. افغانستان در مسیر تاریخ، ص ۵۹۸. ۲. فرخ خان، ج ۱، ص ۲۳۰.

نماینده انگلیس که به هرات رفته بود، داشت به او وانمود کرد که سید از دوستان قدیمی او در قندهار بوده و رابطه‌ای با دولت قاجار نداشته است.^۱

سید ابوالحسن شاه شخص مطلع و متشبی بوده است و ساحة وسیع اطلاعات او را از همین سفرنامه و نیز از گزارش‌های وقایع هرات، که در دوره وکالت هرات به تهران می‌فرستاده و مقداری از آنها در مجلد سوم اسناد مأموریت فرخ خان امین‌الدوله چاپ شده است، می‌توان فهمید. او جزئیات قرارو مدارهای دولت قاجار و انگلیس‌ها را به مراتب بیش از حکمران هرات می‌دانسته است. از همین گزارش‌ها می‌توان دریافت که او چگونه مایل بوده است که دولت قاجار پول و تسهیلات در اختیارش بگذارد تا ساحة املاک و اراضی موقوفه سرکار فیض‌آثار را در هرات گسترش بدهد و حتی گمرک را در اختیار بگیرد. دور نیست که همین تشبثات و جاه‌طلبی سید، روابط او را با سردار سلطان احمد خان برهم زده باشد؛ تا آنجا که سردار در عریضه‌ای که در ۱۲۷۶ هـ به ناصرالدین شاه نوشته اظهار کرده است که «سید ابوالحسن از روی نادانی کمر به تخریب امورات چاکر فدوی بسته» و تقاضا کرده است که «از ابوالحسن تنبیه و سیاست لازمه به عمل آید»؛ زیرا «بر فدوی مشخص و محقق است که از ایشان غیر از شر چیز دیگر به وقوع نمی‌آید». سلطان احمد خان که هنگام تحریر این عریضه در تهران بوده است، تصریح می‌کند که اگر سید ابوالحسن در هرات باقی بماند، او به هرات نخواهد رفت.^۲ سید نیز گویا از اقامت در هرات به تدریج دلتنگ شده بوده است؛ زیرا در گزارشی

۱. فرخ خان، ج ۳، ص ۳۶۱.

۲. فرخ خان، ج ۴، صص ۱۳۵-۱۳۶.

می‌نویسد که «به حق خداوند یگانه اگر خدمت دولت منظور نمی‌بود، من خاکروبه‌نشینی طهران و ایران را به سلطنت این ولایت برابر نمی‌کردم. چه کنم جان دادن در راه دولت و ملت خود از برای من مرض شده... در این ولایت شب و روز غم دین و دولت خود را خوردن و کاری از دستم برنیامدن و طعن از مخالفین و معاندین و شیاطین شنیدن بنیاد مرا به باد داد».^۱ ناصرالدین شاه دستور داد که «چون [سلطان احمد خان] کمال تنفر از سید ابوالحسن شاه دارد، باید به جای او آدم مناسب و خوبی روانه کرد... و او را هم از دست نباید داد و کاری برای او فکر باید کرد».^۲

سید ابوالحسن مدتی پس از این تاریخ به مقام امانت کل آستانه مقدسه رضویه رسیده است و هنگام مأموریت سفارت افغانستان و پس از آن نیز این شغل را داشته است. از اسنادی که پس از این سفرنامه نقل شده معلوم می‌شود که او با حاکم هرات، سردار فتح محمد خان، نیز بی‌ارتباط نبوده است.

تصویر قسمت اول یعنی گزارش سفارت را دوست گرامی، جناب آقای اکبر عشیق کابلی مقیم مشهد مقدس، در اختیار من گذاشتند و از من خواستند تا در ویرایش و انتشار آن بکوشم. ایشان این تصویر را از میکروفیلم‌های کتابخانه دانشکده الهیات تهران (شماره ۱۶، مجموعه ۲۹۳ ج) گرفته‌اند. از عنایت این عزیز سپاسگزارم.

قسمت دوم سواد چند نامه است به قلم منشی محمد عظیم، جد بزرگ این حقیر که خود آن منشی و پدرش منشی محمد اسماعیل و فرزندش منشی محمد رحیم در سده سیزده و نیمه اول سده چهارده قمری منشیان

۲. فرخ خان، ج ۳، ص ۳۲۶.

۱. فرخ خان، ج ۳، ص ۲۵۵.

دارالسلطنه هرات بوده‌اند.^۱

اغلب این نامه‌ها مربوط به یکی از موضوعات این سفرنامه است و در بیشتر آنها نام حاجی سید ابوالحسن امین کل آستانه مقدسه، یعنی صاحب همین سفرنامه برده شده است. یک قسمت این نامه‌ها میان سردار فتح محمد خان، حکمران هرات، فرزند وزیر محمد اکبر خان و داماد امیر شیرعلی خان و حمزه میرزا حشمة الدوله، والی خراسان، مبادله شده است. قسمتی میان سردار فتح محمد خان و حاجی سید ابوالحسن و نامه‌هایی هم میان دالمج فرنگی (کلنل دالمج انگلیسی) و سردار فتح محمد خان نوشته شده است. یکی از نامه‌های آخر کتاب سواد فرمان مهمی است از امیر شیرعلی خان که برای تجهیز نیروهای نظامی هرات و آمادگی برای نبرد احتمالی با انگلیس صادر شده است.

کتابچه سفر کابل از چند جهت ارزش تاریخی دارد: نخست آنکه اسناد مهمی است از نیمه دوم سده ۱۳هـ / ۱۹م مربوط به روابط ایران و افغانستان و اهمیت انتشار اسناد نیازی به تعریف ندارد. دیگر آنکه اطلاعات در باب عهد امیر شیرعلی خان به زبان دری اندک است و سید ابوالحسن هرچه را مشاهده کرده و دریافته با دقت تمام به رشته تحریر درآورده است. دیگر آنکه سفر او از هرات از طریق راه مرکزی افغانستان تا کابل و از کابل از طریق غزنی و قندهار صورت گرفته است و معلومات بسیار مفیدی، هرچند به اختصار، در باب شهرهای مختلف افغانستان به دست می‌دهد. او در هر موضع از آب و هوا، خصوصیت‌های طبیعی و اقلیمی، وضع و پیشامد مردم به اجمال یاد کرده است.

۱. نسخه خطی از این نامه‌ها متعلق است به کتابخانه حقیر که در ذیل نسخه خطی دُرّه نادره مسوده شده است.

قسمت نامه‌ها هم اگرچه بیشتر در باب یکی از موضوعات ذکر شده در سفرنامه و آن هم در باب رفتار میرعلم خان حشمة‌الملک، امیر قاین، است ولی بازتاب خوبی از روابط حمزه میرزا حشمة‌الدوله، والی خراسان، و سردار فتح محمد خان، حکمران هرات، است و نقش حاجی سید ابوالحسن را در این مورد روشن می‌سازد و نیز می‌بینیم که کلنل دالمج که در ظاهر نوکر حشمة‌الدوله بوده است در مسائل سیاسی چه نقشی داشته است.

به هر حال، این گزارش بعد از کتاب سفارت روسیه تزاری به دربار امیر شیرعلی خان اثر دکتر یاورسکی که سال‌ها پیش توسط مرحوم عبدالغفور برشنا به زبان دری ترجمه شده است، یگانه اثری است حاوی اطلاعات دقیق و مهم درباره عهد امیر شیرعلی خان و وضع کابل و دیگر شهرهای افغانستان که به وسیله یک شخص آشنا و آگاه نوشته شده است.

آصف فکرت

تهران، کامرانیه

۱۳۶۷/۵/۲۰

بخش اول
کتابچه سفارت

مقدمه

چون حسب الامر اشرف ارفع، نواب فلک جناب والا، والی و فرمانفرمای مملکت خراسان و امیر جنگ عساکر منصوره ایران، حشمة الدولة العلیة العالیة،^۱ این بنده درگاه آسمان جاه، حاجی سید ابوالحسن قندهاری، مأمور به رسالت تهنیت استقلال امارت و ایالت امیر شیرعلی خان والی مملکت افغانستان شد، وقایع آن صفحات و گزارش حالات آن ولایات و جمع و خرج مالیات و تفصیل سواره و پیاده و توپخانه و صورت تنظیمات و عهدنامه ای که سابقاً در سنه ۱۲۷۳، امیر دوست محمد خان^۲ با دولت انگلیس بسته و نیز عهدنامه ای که در هذه السنه ۱۲۸۶، امیر شیرعلی خان در شهر انباله^۳ با آنها منعقد ساخته، با شرح احوال حکام ولایات افغانه و کیفیت راهها و غیره و غیره را قلمی

۱. حشمة الدولة، حمزه میرزا پسر بیست و یکم عباس میرزا و برادر اعیانی سلطان مراد میرزا حسام السلطنه.

۲. امیر دوست محمد خان، پدر امیر شیرعلی خان و فرزند سردار پاینده محمد خان، بنیانگذار سلسله محمدزایی در افغانستان.

۳. واقع در هند.

داشته که به نظر مرحمت‌اثر والا رسانیده و بر مراتب مسطورہ آگاهی حاصل نمایند. فی شهر شوال المکرم سنہ ۱۲۸۶ [ھ.ق].